



«قبح» کتابخوانی

شکسته باید گردد!

حتماً این شعبده‌بازها را دیده‌اید که یک عالم دستمال و پارچه گره‌خورده را توی مشت‌شان فرو می‌کنند، اما بعد که مشت‌شان را باز می‌کنند، هیچ خبری از آن همه پارچه نیست یا نهایتاً چند تا ستاره اکلیلی در هوا پخش می‌شود و دیگر هیچ.

نمایشگاه کتاب هم از یک نظر، حکم کار همان شعبده‌بازها را پیدا کرده است؛ هر سال که درهای نمایشگاه باز می‌شود، خیل جمعیت از سراسر کشور به استقبالش می‌آیند. اما همین که پرونده نمایشگاه بسته می‌شود، انگار آن همه جمعیت مشتاق آب می‌شوند و می‌روند توی زمین.

البته همین که چنین اتفاق خجسته‌ای هم روی می‌دهد و ۱۰ روز شور و شوقی همگانی برای کتاب و کتابخوانی تمام ایران را فرا می‌گیرد، جای خوشحالی دارد. اما طبیعی است که این کافی نیست و ما به یک فرایند پیوسته کتابخوانی در تمام ایام سال نیاز داریم. درباره این هم که چرا کتاب همچنان جزو ضروریات زندگی ما نشده، از انواع و اقسام زوایا و مناظر بحث شده و دلایل دیده‌ای هم برایش آورده‌اند. اما یکی از دلایل می‌تواند با نگاه به وضعیت نمایشگاه کتاب، تشریح شود؛ این واقعیتی است که کتاب خواندن در جامعه ما عملی غریب است.

این گونه است که کمتر در مترو و تاکسی و مکان‌های عمومی کسی را کتاب به‌دست می‌بینیم. اگر هم خود ما جزو آن دسته قلیل باشیم که هر جا کتاب می‌خوانیم، سنگینی نگاه دیگران را همواره احساس می‌کنیم. چون با این کار جزو اقلیتی هستیم که با اکثریت، همخوان و هم‌نوا نیست. اما نمایشگاه کتاب، فرصتی یکه و یگانه فراهم می‌آورد که همه بدون «خجالت کشیدن» به دنبال کتاب باشند. به این دلیل ساده که اینجا جمعیت کتابخوان و کتاب‌دوست در اکثریت هستند و چون کفه ترازو به نفع آنها سنگینی می‌کند، به آسودگی در فضای کتاب نفس می‌کشند. حالا اگر همین جمعیت بتوانند در ایام دیگر سال هم با یکدیگر هم‌نوا بشوند و «قبح» کتاب خواندن را بشکنند، یکی از موانع موجود بر سر راه کتابخوانی را برداشته‌اند.

مثلاً چه اشکال دارد که آنها علاوه بر وسایل نقلیه عمومی، در سالن‌های انتظار ادارات و بیمارستان‌ها و حتی در آرایشگاه‌ها با خود کتاب به همراه داشته باشند و بخوانند؟ یا چه اشکال دارد که در اعیاد و مراسم شادی و جشن تولدها و... به دیگران کتاب هدیه کنند؟

همه این شیوه‌ها و خیلی شیوه‌های دیگر را دقیقاً باید همان کسانی به کار ببندند که مخاطبان اصلی کتاب و نمایشگاه هستند. اگر آنها پیشگام شوند و باشجاعت و نترسیدن، این فضای غالب و قالب را از میان بردارند، آن وقت می‌توان به سراغ دیگر موانع رفت و منتظر و امیدوار بود که کتاب خواندن تبدیل به یک اتفاق دلچسب همگانی شود.



■ پس شاید حلقه مفقوده همین لذت باشد؛ آنها که کتاب نمی‌خوانند هنوز لذت کتاب خواندن را حس نکرده‌اند. بله. احتمالاً آنها هنوز با این لذت آشنا نشده‌اند؛ لذتی که گاه آمیخته به غم‌ها و تفکراتی عمیق هم هست.

■ یاد این جمله منتسک‌یو افتادم که می‌گوید: «در زندگی هیچ غمی نداشتم که خواندن یک کتاب آن را از بین نبرده باشد.» تو هیچ وقت این حس را داشته‌ای؟ بله. خیلی از کتاب‌ها غم‌های مرا از بین برده‌اند. اگر چه دانستن، گاه غم‌های خاص خود را هم ایجاد می‌کند، اما اگر الان قرار باشد بین خواندن و نخواندن یکی را انتخاب کنم، خواندن را انتخاب می‌کنم. اگر قرار باشد بین دانستن و ندانستن یکی را انتخاب کنم، دانستن را انتخاب می‌کنم. این بدان معنی نیست که من می‌دانم، بلکه اعترافی است به نادانی خودم.

■ از میان همه کتاب‌هایی که خوانده‌ای و دوست داری، ۵ کتابی که با خود به جزیره تنهایی می‌بری کدام هستند؟ من به جزیره تنهایی نمی‌روم! جزیره شلوغ را ترجیح می‌دهم. ولی اجازه بده به جای ۵ کتاب، چند نویسنده را معرفی کنم که دوست‌شان دارم. من داستایوسکی، رومن گاری، آلبر کامو، بوکوفسکی و از نویسندگان ایرانی اسماعیل فصیح را پیشنهاد می‌کنم.

■ عادت‌های خواندن هم داری؟ مثل اینکه جمله‌هایی از کتاب را بنویسی و به در و دیوار بچسبانی؟ نه. ولی جمله‌هایی را که دوست داشته باشم یک جایی یادداشت می‌کنم، یا زیر آنها خط می‌کشم. قبلاً خیلی برایم مهم بود که کتاب‌ها تمیز بمانند. الان حساسیت کم‌تر شده و اتفاقاً کتابی را که گذر دست و قلم بر آن افتاده باشد، بیشتر دوست دارم.

■ چقدر کتاب نخوانده و نیمه‌خوانده داری؟ خیلی زیاد. متأسفانه حجم نخوانده‌هایم بیشتر از حجم کتاب‌های خوانده شده است. چون از خرید کتاب و داشتن آن لذت می‌برم. موقع خریدن امید دارم که یک روزی بخوانم‌شان.

■ نمایشگاه کتاب هم می‌آیی؟ بله هر سال. نمایشگاه را به خاطر خیلی چیزها دوست دارم. از جمله اینکه همه ناشران دور هم هستند؛ ناشرانی که کمتر می‌شناسیم یا آنهایی که به واسطه پخش ضعیف، کتاب‌هایشان کمتر دیده می‌شود. ضمن اینکه ناشران اغلب کتاب‌های جدیدشان را به نمایشگاه می‌رسانند و این برای من خیلی جذاب است. تخفیف نمایشگاه و به طور کلی فضای آن را هم دوست دارم.

■ راستی کتاب هم امانت می‌دهی؟ به نظر می‌رسد روی کتاب‌ها ایت حساس باشی. به کسانی که می‌شناسم امانت می‌دهم و دوست دارم کتابم را پس بدهند. اما در مورد آدم‌هایی که نمی‌شناسم معمولاً بارودر بایستی کتاب قرض می‌دهم.

■ اگر قرار باشد عده‌ای را به کتاب خواندن ترغیب کنی، به آنها چه می‌گویی؟ می‌گویم کتاب بخوانید، در همه وقت‌های تلف شده خود کتاب بخوانید، چون با کتاب خواندن به شما خوش می‌گذرد.

نویسنده، بازیگر و کارگردان سریال‌های طنز است. این یعنی به خندیدن و خوشگذرانی باور دارد، اما خندیدنی که در پس آن کشف و بیان هنرمندانه و تفکری عمیق از زندگی پنهان شده باشد. سروش صحت با کتاب‌ها هم به همین شیوه زندگی می‌کند؛ به شیوه لذت و تفکر.

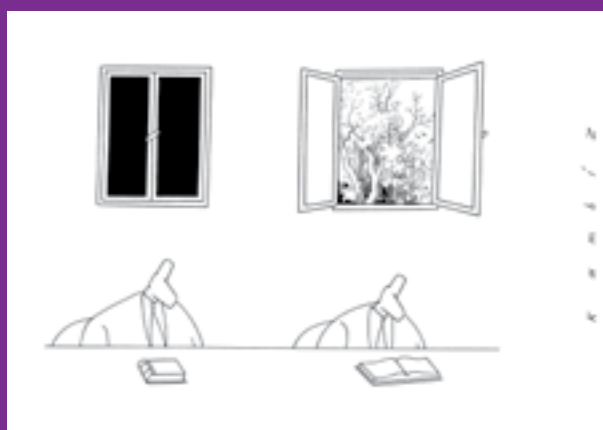
■ ■ ■

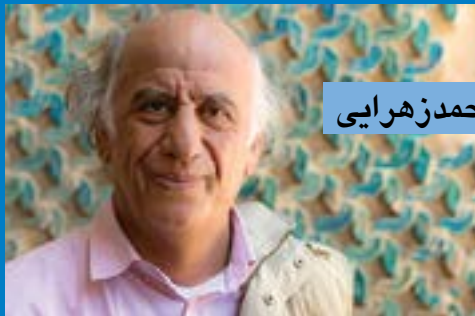
■ الان چند روز است که می‌خواهیم با هم گفت‌وگو کنیم، اما تو اینقدر سرت شلوغ است که فرصت نمی‌کنیم. واقعاً در این شلوغی فرصتی برای کتاب خواندن پیدا می‌کنی؟ و اصلاً اگر فرصتی پیدا شود، آن را به کتاب خواندن می‌گذرانی؟ من چون کتاب خواندن را دوست دارم و از آن لذت می‌برم، حتماً در هر فرصتی کتاب می‌خوانم. نه به خاطر انجام وظیفه، به خاطر اینکه با کتاب به من خوش می‌گذرد. به همین خاطر کتاب خواندن برایم هیچ ربطی به وضعیت شلوغ یا خلوت ندارد.

■ این روزها دور و برمان، در محیط اجتماعی، کمتر آدمی را در حال کتاب خواندن می‌بینیم. کتاب خواندن از نظر خیلی‌ها رفتاری فان‌تری است. می‌گویند اینقدر دشواری و گرفتاری داریم که مجالی برای کتاب خواندن پیدا نمی‌شود. واقعاً کتاب‌ها چیزی برای دنیای این آدم‌ها ندارند؟

راستش من هم یک موقعی مثل تو مروج این نظر به بودم که همه باید کتاب بخوانند، اما حالا می‌گویم هر کسی دوست دارد، بخواند. خب، من دوست دارم همه کتاب بخوانند. خود من پاسخ همه سوال‌های ذهنی و تمام لذت‌هایم را در کتاب‌ها پیدا می‌کنم. معتقدم کتاب باعث ارتقاء سطح فرهنگ می‌شود، دیدگاه آدم را گسترش می‌دهد، او را با دنیاها، زندگی‌ها و آدم‌های دیگری آشنا می‌کند. اما خب لابد آنها هیچ سوالی از کتاب‌ها ندارند یا لذت‌های دیگری دارند!

■ فکر می‌کنی بحث اقتصادی هم در این مساله دخیل باشد؟ بله. اگر معتقدیم کتاب خواندن کار مفیدی است - که من فکر می‌کنم هست - باید دولت کمک کند تا قیمت کتاب بالا نرود، کتابخانه‌های عمومی گسترش پیدا کند، فرهنگ کتابخوانی در بین مردم ایجاد شود و آدم‌ها بالذت کتاب خواندن آشنا شوند.





محمد زهرایی

او عاشق کتاب‌ها بود؛ صبح به عشق این که کتابی را که در دست دارد پیراسته کند، پشت میز کارش می نشست و تا پاسی از شب، کار می کرد و کار و کار تا خستگی را از پای در آورد. سخن از محمد زهرایی است که به ناشری گزیده کار و وسواسی در نشر ایران شهرت داشت، اما این لقب خیلی هم راحت به دست نیامده بود؛ زهرایی مزد سال‌ها کوشش بی دریغ در عرصه نشر کتاب را گرفت و آن قدر در کارش مجاهدت به خرج داد که با نشر «کارنامه» توانست استانداردهای صنعت نشر ایران را ارتقاء دهد.

زنده‌یاد محمد زهرایی با کتاب زیسته بود؛ از ابتدا کارش را با پادویی و کار در یک کتابفروشی در مشهد شروع کرده و بعدتر کتابفروشی کوچک خودش را راه انداخته بود؛ جایی که آن سال‌ها در خیابان سعدی مشهد پاتوق اهل کتاب و روشنفکران آن دوره از جمله دکتر علی شریعتی بود. او وقتی که به تهران آمد در نشر پیام امروز کارش را دنبال کرد و آن قدر این کار را دوست داشت که در تمام مراحل چاپ و نشر کتاب از نمونه‌خوانی و غلط‌گیری تا فروش و توزیع و همه امور نشر خبره شد. همین دقت و توجه و تبصر در صنعت نشر، او را به ناشری بدل کرد که همواره کتاب‌هایی با کیفیت بالا چاپ می‌کند. برای او هر کتابی یک زندگی جداگانه داشت؛ کتابی که قرار بود سال‌ها در دست باشد و طبیعتاً چاپش با کتابی که هر از گاهی به سراغش می‌رویم فرق داشت. اساساً نگاه زنده‌یاد زهرایی کتاب در دست باید چاپی خوب و محکم می‌داشت و به قول خودش کتاب «مستطاب آشیزی» نجف دریابندی و فهمیه راستکار، ضربه به حساب می‌آمد!

او آن قدر در کار چاپ کتاب‌ها دقت می‌کرد که هزینه‌های آماده‌سازی و تولید آنها بسیار سنگین می‌شد، اما زهرایی بی‌اعتنا به سود و زیان و باعشق غریب، کارش را به شیوه خود ادامه می‌داد. مثلاً کتاب «حافظ به سعی سایه» هوشنگ ابتهاج و «بازمانده روز» اثر کازوئوایشی گورو کتاب‌هایی بودند که چندین سال طول کشید تا زهرایی آنها را چاپ کند؛ علاوه بر آن، گفته می‌شد که زهرایی به برخی از مولفانش، حقوق ماهانه پرداخت می‌کند تا آنها با خیالی آسوده به تالیف و تحقیق بپردازند. زهرایی سال‌های دهه ۴۰ در شکل‌دهی انتشارات نیل هم نقش به‌سزایی داشت. برخی از رمان‌های شاخص جهان از جمله رمان «دن کیشوت» با ترجمه زنده‌یاد محمدقاضی حاصل همکاری زهرایی با انتشارات نیل بود. این ناشر پیشکسوت درباره دغدغه‌های عاشقانه‌اش در حروف چینی و کتاب‌آرایی گفته بود: «مادبال ساده کردن حروف چینی با حفظ ملاحظه‌های زیبایی‌شناسی آن هستیم. برای من مهم است خواننده کتاب هنگام مطالعه سکندری نخورد، به خاطر فواصل نادرست بین کلمه‌ها سردرگم نشود و خواندن او هر چه آسان‌تر و بدون ابهام ادامه پیدا کند. فونت و حروف چینی دغدغه سال‌های سال من بوده است.»

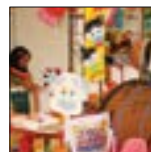
زنده‌یاد زهرایی همه زمان و انرژی و سرمایه مادی و معنوی‌اش را برای نشر کارنامه گذاشته بود. نهایتاً هم ۲۷ مرداد ۱۳۹۲ در دفتر کارنامه، کارنامه زندگی‌اش بسته شد.

مردم غیور ما در ایام سخت جنگ، دوشادوش نظامیان جنگیدند و از دین و میهن خود دفاع کردند. این نقش آفرینی ایثارگرانه در بخشی از ادبیات دفاع مقدس ما نیز متجلی و منعکس شده است؛ اما این تجلی و انعکاس چگونه بوده است؟ امروز نشست تخصصی «نقش مردم در دفاع مقدس و انعکاس آن در ادبیات پایداری» به این سؤال پاسخ می‌دهد. این نشست از ساعت ۱۶ تا ۱۸ با حضور احمد حق‌طلب، محمد درویدیان و گلعلی بابایی برگزار می‌شود که هر سه از کارشناسان و پژوهشگران استخوان خرد کرده در عرصه دفاع مقدس هستند. برنامه «نقش مردم در دفاع مقدس و انعکاس آن در ادبیات پایداری» در سالن یاس مصلا بزرگ امام خمینی (ره) شکل می‌گیرد.



زنجانی‌های مقیم مرکز بشتابید! امروز شنبه ۱۳ اردیبهشت ماه از سری نشست‌های تخصصی استان‌شناسی که هر روز در نمایشگاه کتاب برگزار می‌شود و به یکی از استان‌های کشور می‌پردازد، نوبت به استان زنجان رسیده است. این نشست از ساعت ۱۸ تا ۲۰ و با حضور استاندار، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و دو شخصیت آشنا به فرهنگ و هنر این استان برپا می‌شود. محل برگزاری آن هم شبستان مصلی است.

حتی بچه‌های پیش‌دبستانی هم که مدرسه نرفته‌اند، می‌توانند مخاطب کتاب باشند. دکتر فاطمه قاسم‌زاده همین امروز در نمایشگاه درباره این موضوع سخنرانی می‌کند و زوایای مختلف آن را می‌کاود. این اتفاق از ساعت ۱۱:۳۰ تا ۱۳:۱۵ در سرای اهل قلم کودک و نوجوان روی می‌دهد.



سرای اهل قلم کودک و نوجوان، امروز دو نشست دیگر هم برای شما تدارک دیده است؛ یکی با عنوان «نهاد کتاب کودک و مسئولیت اجتماعی» و دیگری هم به اسم «وضعیت و ظرفیت تبلیغ کتاب کودک و نوجوان». نشست اول از ساعت ۱۵:۱۵ تا ۱۶:۴۵ برگزار می‌شود و زمان نشست دوم از ۱۷ تا ۱۸:۳۰ است. مقصود نعیمی‌ذاکر و محمدرضا اسدزاده کارشناسانی هستند که درباره «وضعیت و ظرفیت تبلیغ کتاب کودک و نوجوان» سخنرانی می‌کنند.

اگر به مسائل خاورمیانه و تحولات آن علاقه‌مندید، شما را دعوت می‌کنیم به نشست تخصصی «وضعیت فرهنگی جهان عرب پس از جریان بیداری اسلامی». این نشست با حضور دکتر محمود واعظی، رایزن اسبق فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قطر و عبدالامیر موسوی رایزن اسبق فرهنگی کشورمان در سودان برگزار می‌شود. این برنامه، امروز شنبه از ساعت ۱۱ در سالن یاس نمایشگاه کتاب برپاست.



روش‌های مطالعه مولد چیست؟ برای دانستن این موضوع، امروز به نمایشگاه کتاب بیاپید. چون امروز نشست با عنوان «آشنایی با روش‌های مطالعه مولد» از ساعت ۱۰ تا ۱۲:۳۰ در بخش «کتاب و رسانه» سرای اهل قلم برگزار می‌شود. دکتر یزدان منصوریان سخنران این نشست است. او از ساعت ۱۴ در یک نشست تخصصی دیگر هم با عنوان «پیوندهای بین‌رشته‌ای در علم اطلاعات و دانش‌شناسی» شرکت می‌کند. البته در این برنامه دکتر عبدالرضا نوروزی چاکلی و دکتر داریوش مطلبی هم او را همراهی می‌کنند. ساعت برگزاری این نشست از ساعت ۱۴ تا ۱۵:۴۰ دقیقه است.

حالا می‌خواهیم از یک نشست دیگر خبر بدهیم که در نوع خودش جالب به نظر می‌رسد: «بررسی مبحث گیاه‌شناسی در کتاب‌های درسی». سخنران این نشست مهدی آرام‌فر است و ساعت برگزاری‌اش هم از ساعت ۱۴ تا ۱۵. دوستداران گیاه‌شناسی می‌توانند از ساعت ۱۴ تا ۱۵ شنونده سخنان آرام‌فر در شبستان مصلی باشند.



نام بلند خلیج فارس در نمایشگاه کتاب تهران می‌درخشد؛ این اتفاق را شکل‌گیری نمایشگاه فرهنگی - هنری خلیج فارس در داخل این رویداد بزرگ فرهنگی رقم زده است. در این نمایشگاه هر روز برنامه‌ها و نشست‌های متنوع و متعددی شکل می‌گیرد؛ چنانچه امروز هم یک نشست در این نمایشگاه برگزار خواهد شد. در این نشست که ساعت برگزاری آن از ۱۶ تا ۱۸ است، ابتدا دکتر محسن جعفری با موضوع «ضرورت آگاهی از آوانویسی متفاوت اروپایی درباره خلیج فارس» سخنرانی می‌کند. بعد هم دکتر سید صادق سجادی مقوله «خلیج فارس در منابع اسلامی» را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد.

به جز نشست‌های روزانه نمایشگاه، برنامه‌هایی هم هست که از ابتدا تا پایان نمایشگاه هر روز اجرا می‌شود؛ جنگ شادی یکی از این برنامه‌هاست که از سوی کمیته فعالیت‌های جنبی نمایشگاه تدارک دیده شده و در ۱۰ روز برگزاری نمایشگاه کتاب محفلی شاد را برای بازدیدکنندگان فراهم آورده است.

